

همبستگی ملی مبانی، اصول و راهکارها

سیدحسین نقوی

دیدار دو روز گذشته مقام معظم رهبری با کارگزاران نظام، نمادی از انسجام و همبستگی ملی بود. در شرایطی که دشمنان قسم خورده اسلام در صدد نابودی ماهیت و موجودیت نظام اسلامی هستند و فتنه انگیزی های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، قومی و اجتماعی را برای تشدید اختلافات و دامن زدن به تضادهای داخلی را سرلوحه فعالیت های تخریبی خود قرار داده اند مقام معظم رهبری با یک اقدام حکیمانه و هوشمندانه جلسه تألیف قلبی برگزار نمودند و به دنیا نشان دادند انسجام، وحدت و همبستگی ملی در نظام مقدس جمهوری اسلامی خدشه ناپذیر است. نوشتار حاضر در راستای این رویکرد حکیمانه است که امید است مورد استفاده خوانندگان محترم قرار گیرد.

مقدمه:

همبستگی اجتماعی در مقابل بروز کشمکش، کودتا و انقلاب که همبستگی جامعه را تهدید می کنند، تقدم بالاصاله دارد؛ بنابراین اصل اولیه در جوامع، ایجاد همبستگی است، چرا که جوامع تنها در سایه همبستگی اجتماعی است، که می توانند به روابط و تعاملات روزمره زندگی خویش بپردازند، زبان یکدیگر را درک کنند، و اکنشه های دیگران را پیش بینی کرده، برای آینده زندگی خود برنامه داشته باشند، از این رو سعی جوامع آن است که پس از بروز حالت های عدم تعادل در جامعه، دگر باره به حالت تعادل و همبستگی بازگردند. حتی، جامعه شناسانی که جوامع را بر مبنای ستیز اجتماعی تبیین می کنند، مرحله ای از آرامش و همبستگی را در نظر می گیرند که سرانجام جوامع به آن منتهی خواهد شد. با وجود این، تجربه تاریخ گذشته جوامع نشان می دهد که بروز هر دو حالت، همبستگی و گسستگی، در جوامع حتمی است. بسیاری از جوامع در عین برخورداري از گروه بندي های سياسي، زباني، نژادي، مذهبي و جغرافيايي به یکدیگر همبسته و با آرامش در کنار یکدیگر زندگی می کنند و در همان حال جوامع دیگری یافت می شود که به دلیل عواملی چند، با یکدیگر به کشمکش پرداخته اند.

امام صادق «ع» می فرماید:

«المؤمن اخوان المؤمن، كالجسد الواحد، ان اشتكى شيئاً منه وجد الم ذلك في سائر جسده...»: «مؤمنان نسبت به یکدیگر همانند اعضای بدن واحد هستند که اگر عضوی دردی را در خود احساس کرد سایر اعضا نیز آسایش نخواهند داشت.» (۱)

نگاهی به تاریخ معاصر ایران این حقیقت را به ذهن متبادر می سازد که در فرازهایی از تاریخ، ایرانیان مسلمان «كالجسد الواحد» بوده اند و بدون اینکه اعضای این جسد واحد از یکدیگر شکایت داشته باشند، به کارکرد مناسب خویش می اندیشیده اند و در همان حال، در خدمت به سایر اعضا برای رسیدن به اهداف آرمانی تلاش می نموده اند.

از طرف دیگر در فرازهایی از تاریخ نیز، اعضای این (جسد) در خود دردهایی احساس می کرده است که آرامش اجتماعی او را برای مدتی برهم زده؛ گروه های مختلف اجتماعی با یکدیگر به جدال و کشمکش می پرداخته اند و بدون توجه به ویژگی های مشترکی که داشته اند، در پی کسب منافع خاص خویش بوده، و با فراموش کردن ویژگی های مشترک، ظرفیت ها و امکانات مختلف انسانی، اقتصادی و فرهنگی را هدر داده، از رسیدن به اهداف بازمانده اند.

هر دو قسم از فرازهای مختلف تاریخی فوق الذکر را در جامعه معاصر ایران نیز می توان یافت. به طور طبیعی این سؤال بوجود می آید که عوامل پیوند دهنده اعضای جامعه با وجود همه گروه بندي های نژادي، مذهبي، زباني در يك فراز تاریخی و یا عوامل گسست افراد و گروه های اجتماعی در فراز دیگر از تاریخ چه بوده است؟ بررسی ریشه ای عوامل پیوند یا گسست جامعه در همه این فرازهای تاریخی، ناممکن است؛ ولی این امکان وجود دارد که دو فراز تاریخی را که به لحاظ عوامل همبستگی و به لحاظ عوامل گسستگی با جامعه موجود ایران مشابهت دارد، انتخاب نموده آنها را ارزیابی کنیم.

بدون تردید همدلی میان اعضاء و گروه های يك جامعه و پیروي آنها از ارزشها و ناهنجارهای مشترك و نیز وجود احساسات مشترك مذهبي و ملی، از اموری است که می تواند امکان برنامه ریزی برای استفاده حداکثر از استعدادها و ظرفیت های مختلف انسانی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی و نیز دستیابی به اهداف آرمانی جامعه را فراهم سازد. همچنان که شورش های اجتماعی و تضاد و کشمکش در جامعه و به دنبال آن، عدم امکان جامعه پذیری مناسب، عدم امکان کنترل اجتماعی و عدم توافق بر سر اهداف، و ناتوانی در حل و فصل تعارضات، راه را بر برنامه ریزی مسدود کرده، استعدادها و امکانات بالقوه يك جامعه را هدر می دهد. بنابراین شناسایی عوامل همبستگی و عوامل تهدید آن، امری معقول است. همچنان که در آیاتی از قرآن مجید بر آن تأکید شده است. و می فرماید: «واذکرو انعمت الله علیکم انکنتم اعداء فالف بین قلوبکم

فاصیحتم بنعمته اخوانا» (۲)

به گذشته خود بازگشت کنید و دو عرصه تاریخی از گذشته خود را به یاد آورید: «عرصه ای را که در آن به نزار و کشمکش می پرداختید و به سبب این نزار و کشمکش امکانات انسانی و غیر انسانی شما نابود می گردید، به گو نه ای که بر پرتگاه آتش قرار می گرفتید. تا این که این مرحله تاریخی از زندگی شما گذشت و مرحله تاریخی دیگر شروع شد و در این مرحله، نعمت الهی (قرآن مجید) با همه اعتقادات، ارزش ها، و قوانین الهی اش برای شما ارسال گشت و جامعه با بهره گیری از ارزش ها، عقاید و هنجارهای مشترک دینی و احساسات مذهبی حاصل از آن، میان شما تالیف قلوب کرد و بر اثر الفت و همدلی به وجود آمده، برادر یکدیگر گشتید (فاصیحتم بنعمته اخوانا)، جامعه موجود کشور ما گویا هم اکنون مورد خطاب این آیه از قرآن است.

دهه اول انقلاب همدلی و همبستگی میان گروه های اجتماعی بیشتر بود، اما با گذشت يك دهه از انقلاب گاهی اوقات، نزار و کشمکش میان گروه های اجتماعی به اندازه ای تشدید شده که گویی با قرار گرفتن بر پرتگاه آتش «شفا حفره من النار» همبستگی آنان تهدید و یا لااقل زمینه های آن فراهم می گردد، از این رو با بازگشت به گذشته، به جستجوی عواملی خواهیم پرداخت که موجبات همبستگی اجتماعی را فراهم ساختند و با تقویت این عوامل پس از سالیان سال، ایران در معنا و مفهوم امروزی آن شکل گرفت. در عصر قاجار به بررسی چگونگی راهیابی و رشد عوامل تهدید همبستگی اجتماعی در ایران می پردازیم در این بررسی به همان اندازه که عوامل داخلی تهدید مورد توجه است، عوامل خارجی نیز از نظر دور نخواهد ماند، عوامل تهدیدی که به نظر می رسد تا امروز نیز، همبستگی اجتماعی ایران را تحت فشار خود دارد، پس در يك مقایسه تطبیقی با جامعه موجود، تلاش خواهد شد از آن تجربه های ارزنده برای شرایط حال استفاده شود. بررسی علمی و جامعه شناختی این عوامل، در راستای این هدف خواهد بود که شرایط ذهنی و عینی ای را کشف کنیم که در آنها جامعه ایران به همبستگی دست می یابد و یا همبستگی آن تهدید می شود.

اهمیت همبستگی

همبستگی ملی و مشارکت عمومی از جمله مفاهیم کلیدی و برجسته در مطالعات اجتماعی و جامعه شناختی است و مشارکت مردمی در شکل گیری سامانه نظام سیاسی و اداره آن امری اجتناب ناپذیر و اساسا بدون مشارکت عمومی، امکان توسعه و رشد و تعالی يك کشور را امکان پذیر نیست. اینک اهمیت همبستگی را از زوایای مختلف بررسی می کنیم.

۱- از دیدگاه عقلانی:

وحدت و همبستگی ملی بدان حد اهمیت دارد که جزو نیازهای حیاتی و آبی ماست و نیاز به استدلال ندارد زیرا گذشته از آموزه های دینی و تکالیف انقلابی و ملی و عقلانیت، سیاسی و خردمندی ملی هم این را از ما می خواهد که هیچ کس انسجام ملی را به هم نزند تا با حفظ توان ملی و با جلوگیری از هدر رفتن نیروها به سرعت به اهداف انقلاب دست یافته کشوری آباد و سربلند را نظاره گر بوده باشیم و تهدیداتی که نظام و انقلاب و تمامیت کشور را نشانه گرفته جدي بگیریم.

هیچ ملتی و گروهی به خاطر نادیده گرفتن دشمن یا ضعیف دانستن مکر او در تاریخ ستایش نمی شود، باید همواره هوشیار و مراقب باشیم که تجربه های پیشین برای ما تکرار نشود.

۲- از نظر تاریخی:

تجربه مشروطیت مثال خوبی است، قیام مشروطیتی که مبتنی بر ایده ها و افکار دینی این ملت بود و می توانست در صد سال پیش ما را به عنوان پیشرو حرکات اصلاحی در جهان مطرح سازد، زیرا ما نخستین کشور آسیایی بودیم که به سمت قانونمندی و خردورزی و توسعه و پیشرفت حرکت کردیم اما متأسفانه به دلایلی، دشمنان توانستند این حرکت را عقیم نمایند و از این رو است که امام راحل همواره نسبت به تکرار تاریخ مشروطه هشدار دادند که طبق آنچه در «صحیفه نور» ثبت شده، امام هشتاد و شش بار نسبت به تجربه مشروطیت تذکر دادند و این چیز کمی نیست هشتاد و شش بار یاد کرده اند حادثه مشروطه و لزوم درس گیری و عبرت آموزی و هشدار که میباید دوباره این تاریخ تکرار شود. یکی از آن عواملی که امام اسم برده اند و چندین بار تکرار کرده، تفرقه دوستان انقلاب و نفوذ فرصت طلبان در بدنه حاکمیت است.

همان چیزی که شهید مطهری (ره) هم پس از بررسی نهضت های صد ساله اخیر به این نتیجه می رسند و در کتاب خود، که به همین نام منتشر شده، می گویند یکی از عوامل مهم انحراف مشروطیت این بود که پس از پیروزی، نیروهای خودی را به جان یکدیگر انداختند و آن کسانی که تا دیروز طرفدار استبداد و کار چاق کن ظالمان بودند پست ها و منصب ها و تریبون های انقلاب مشروطه را در دست گرفتند.

۳- از نظر امام علی(ع):

در اهمیت همبستگی همین بس که امام علی(ع) بارها در دوران حکومتش رسماً اعلام کردند که: نقد حکومت و حتی مخالفت با آن پذیرفتنی است اما تا آنجا که همبستگی ملی شکسته نشود کسی حق ندارد موجب ناامیدی جامعه گردد.

حضرت در خطبه ۹۶۱ نهج البلاغه نسبت به ناکثین، که اول بیعت کردند و بعد بیعت خود را شکستند و شمشیر کشیدند و دارای سوابق انقلابی هم بعضاً بودند، فرمود: این گروه همگی با امارت و حکومت من مخالف بودند این عیبی ندارد اما «ساصبر مالم اخف علی جماعتکم» من تا روزی مخالفت را برمی تالم که به صف واحد و همبستگی مردم لطمه وارد نیاید تشنت در جامعه ایجاد نشود نیروهای خودی را پاره پاره نکند «فانهم ان تموا علی فیاله هذا الراي انقطع نظام المسلمین» اگر آنها بر رای سست و بی پایه خود اصرار ورزند و اگر آنها به هدفشان برسند و بتوانند مردم را گروه گروه کنند و نسبت به آینده ناامید سازند آن روز «انقطع نظام المسلمین»: نظم عمومی جامعه به هم می خورد و پایه های نظام سست می شود و جامعه به عقب برمی گردد و این چیزی نیست که بتوان تحمل کرد. در جایی دیگر فرمودند: «ایاکم و الفرقة» از تشنت بپرهیزید: «فان الشاذ من الناس لشیطان کما ان الشاذ من الغنم للذئب» هر گوسفندی که از گله جدا شود طعمه گرگ است به همین شکل هرکس از جماعت مسلمین خارج شود طعمه شیطان است و بزرگترین شیطان به قول امام در روزگار ما آمریکاست و ما نباید از این گرگ درنده غافل باشیم. امام علی، نه تنها زمانی که حاکم بودند بلکه قبل از حکومت هم، این وحدت را پاس می داشت همان زمان غصب خلافت نیز فرمود: گویی در گلوی من استخوانی و در چشم من خاشاکی وجود دارد نه تنها صبر و سکوت کرد که فرمود: «لیس رجل... احرص علی جماعه محمد منی» آن روز که ناروایی نسبت به امیر مومنان روا داشته می شد بعضی مراجعه می کردند تا به خیال خود حضرت را علیه حکومت تحریک کنند اما به ایشان فرمود: با اینکه من انتقاد جدی نسبت به حکومت دارم اما بدانید در بین امت پیامبر(ص) هیچ کس بیشتر از من به وحدت و الفت این امت دل نبسته است اکنون کسانی که شیعه این بزرگوارند، باید وفاق ملی، همدلی و الفت اجتماعی را روز به روز تقویت کنند کسانی که به فکر تقویت اقتدار ملی هستند نمی توانند با تضعیف هیچ یک از نمادهای کشور موافق باشند به قول اقبال لاهوری در مثوی بلند «پس چه باید کرد» راه این است که مومن خود و کافر بیگانگان باشیم و بر پای خود بایستیم.

ای اسیر رنگ پاک از رنگ شو
مومن خود کافر افرنگ شو

رشته سود و زیان در دست توست
آبروی خاوران در دست توست
این کهن اقوام را شیرازه بند
پرچم صدق و صفا را کن بلند
اهل حق را زندگی از قوت است
قوت هر ملت از جمعیت است

۴- از نظر رهبری:

رهبر معظم انقلاب همه ساله در پیام های خود بر روی مولفه های وفاق اجتماعی و عوامل همبستگی تاکید می نمایند از آنجا که مذهب تشیع، خدمت رسانی، وجدان کاری و تقسیم کار عوامل بسیار مهمی در ایجاد همبستگی است از این رو آنچه برای مردم و مسئولان هر دو حائز اهمیت است عبارت است از: همکاری یعنی، وحدت ملی و همبستگی عمومی ملت در قبال آنچه مسئولان موظفند انجام دهند؛ ادامه این راه از یک طرف و همکاری مردم و مسئولان از سوی دیگری می تواند ما را در پیشرفت این راه و پیشرفت این اهداف والا کمک کند.

بنابر این همیشه همبستگی و مشارکت عمومی، می تواند شعار بزرگ ملت ایران باشد، و نیز فرمودند: همبستگی و اتحاد ملت، مشارکت عمومی و اعتصام به ایمان الهی مهم ترین سلاح ملت ایران برای خنثی سازی توطئه ها و تهدیدات دشمن است.

۵- از نظر قرآن:

در قرآن کریم معیار و محور همبستگی با واژگان متعددی بیان شده و امت را به وحدت فرا می خواند و تعبیری که قرآن آورده عبارت اند از: توأصوا، رابطو، تعاونوا، واعتصموا، فاصلحوا بین اخویکم، فالف بین قلوبکم، امت واحده، امه وسطا، موده و رحمه، اخوه و... می باشد.

ما به بحث و بررسی تنها سه مورد از آیات قرآن پیرامون وحدت و عدم اختلاف می پردازیم.
اول: وحدت نعمت الهی است

«واعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا و اذکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم

بنعمته اخوانا». (۲)

پیام های این آیه عبارت است از:

- ۱- خداوند از وحدت به اعتصام به حبل الله تعبیر کرده، بندگان خود را به آن دستور می دهد که همگی به آن جنگ زبید و پراکنده نشوید.
 - ۲- برای تأکید واژه جمیعا را آورده که وحدت جز با حرکت جمعی محقق نخواهد شد یعنی همه مردم باید وحدت را بخواهند.
 - ۳- همبستگی و همدلی از نعمت های الهی شمرده شده و باید همواره آن را متذکر شد و یادآوری نمود و بخاطر (واذکروا نعمت الله) همایش و گردهمایی برگزار گردد زیرا امر الهی «واذکروا» باید عملی شود.
 - ۴- این نعمت وحدت و یک سویه شدن دلها از ناحیه خداست و «مقلب القلوب» و نزدیک کننده دلها اوست؛ بنابراین، مذهب و دین و اعتقاد عامل بسیار مهمی در یکپارچگی دلهاست.
 - ۵- اگر وحدت نعمت الهی است، اختلاف، نفمت و عذاب خواهد بود و زمینه ساز آتش و جنگ و قتل و غارت و ناامنی در دنیا و جهنم در آخرت می گردد.
 - ۶- همبستگی و وحدت نشانه خدا در جهت هدایت بندگان است.
- قرآن برای آنکه اثر شگفت انگیز و معجزه آسای اسلام را در ایجاد وحدت بیان کند مسلمانان را به یاد وضعی که پیش از اسلام داشتند، می اندازد و می گوید مگر شما همان مردمی نبودید که با هم دشمن بودند و میان طوائف و قبایلتان همیشه جنگ های خونین برپا بود و به یکدیگر بر سر موضوعات پوچی مثل نژاد و جمعیت قبیل و ثروت، فخر می فروختید و بر سر هیچ و پوچ با هم نزاع می کردید؟ این خدا بود که نعمت اسلام را به شما عطا فرمود و دل های همه شما را مثل براده های آهن، به سوی آهن ربای پر قدرت الهی جذب کرد و میان شما الفت و محبت برقرار کرد، این نعمت اسلام بود که شما را با هم برادر کرد.
- شما به قدری با هم اختلاف و دشمنی داشتید که جامعه تان را بر لبه پرتگاه آتش قرار داده بود و چیزی نمانده بود همگی در آتشی که در اثر تفرقه و اختلاف به دست خود افروخته بودید، بسوزید، اما خدا شما را از آن آتش رهایی بخشید.